

## رویکردی جامعه‌شناختی به جهانی‌شدن و رابطه آن با گرایش‌های قومی مردم استان ایلام

عبدالحسین رحمتی<sup>۱</sup>، دکتر نبی‌اله ایدر<sup>۲</sup>، دکتر عبدالرضا هاشمی<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۸/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۷

چکیده:

پژوهش حاضر، با هدف بررسی رویکرد جامعه‌شناختی به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر گرایش‌های قومی مردم استان ایلام بود. تا نشان دهد هویت‌های قومی ساکن در استان ایلام چه نسبتی با هویت‌های عام و جهانی دارند. در این پژوهش جامعه آماری کلیه افراد ساکن استان ایلام با جمعیت ۵۸۰۱۵۸ نفر، که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه آماری ۲۷۰ نفر برآورد شده و روش نمونه‌گیری به صورت احتمالی ساده، روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. برای سنجش پایایی داده‌ها از ضریب آلفای کرونباخ و برای سنجش روایی از شیوه روایی صوری استفاده شد، یافته‌های پژوهش با روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون، تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که به‌طور کلی بین جهانی‌شدن و گرایش‌های قومی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بین متغیر سبک زندگی و گرایش‌های قومی رابطه مثبت معناداری وجود دارد بدین معنا که با ورود جوامع سنتی همچون استان ایلام به دنیای مدرن، سبب کاهش احساس تعلق و دلبستگی قومی آنان شده است.

مفاهیم کلیدی: جامعه‌شناختی، جهانی‌شدن، گرایش‌های قومی، هویت، قومیت

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران  
rahmati633@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)  
ider62@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران  
abdorezahashemi@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسأله

جنگ جهانی دوم که پایان یافت، در حوزه نظریه‌پردازی، با مفهوم‌های تازه‌ای روبرو شدیم و «جهانی‌شدن» یکی از آن مفاهیم نو بوده است که جلوه‌های تازه‌ای را در دهکده جهانی از خود نشان داد؛ همان دهکده‌ای که «مارشال مک‌لوهان» با طرح ایده‌ی اولیه‌اش، باعث شد تا هسته‌ی آغازین نظریه جهانی‌شدن، شکل بگیرد و با پیشرفت در اطلاعات و انقلاب اطلاعات تکامل یافته‌تر شود. انسان معاصر با استفاده از فرصت جهانی‌شدن و ساز و کارهای آن ارتباط خویش با دیگران را گسترش می‌دهد و حتی جمعیت‌های کوچک قومی هم می‌توانند در این فضای جهانی شده، تأثیرگذار باشند و قوم‌گرایی یکی از پدیده‌هایی است که احیای دوباره‌اش را مدیون جهانی‌شدن می‌داند. همین قوم‌گرایی که گاهی در برابر توسعه و پیشرفت جهانی‌شدن از خود مقاومت نشان می‌دهد. آن‌گونه که جهانی‌شدن، با ورود موج رسانه‌های جمعی به زندگی انسان‌ها، قومیت‌ها و فرهنگ‌ها را کنار هم قرار داده و شرایطی را ایجاد کرده که به بازگشت هویت‌های قومی یاری می‌رساند و به آن شتاب داده و تفکر برتری قومی و نژادی را کم‌رنگ نماید و بستری را فراهم آورد تا گروه‌های قومی در راستای حقوق از دست رفته‌ی خود تلاش کنند (Koen, 2016). بر این اساس، بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی جهان که پیرامون تضادها و بحران‌ها به نظریه‌پردازی و مطالعه پرداخته‌اند، در این بحث اتفاق نظر دارند که در عصر جهانی‌شدن، تضاد «فرهنگی - قومی» به یکی از منابع اصلی چالش‌ها و تضادها تبدیل شده است. بسیاری از کشورهای که در گذشته با پشت سر گذاشتن یک فرآیند سخت و پیچیده «ملت‌سازی» تولد یافته‌اند، اکنون به‌عنوان یک واحد ملی زیر سؤال رفته و امواج قوم‌گرایی و جدایی‌طلبی، آن‌ها را فرا گرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت، امروزه موضوع قومیت و مسائل مرتبط با آن به یکی از چالش برانگیزترین مفاهیم در این حوزه تبدیل شده است (Gol Mohammadi, 2015)؛ هر چند قوم‌گرایی از نظر تاریخی، قدیمی‌تر از پدیده جهانی‌شدن است اما مثل بسیاری از پدیده‌ها تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار گرفته است و در چند دهه‌ی اخیر بسیاری از مناطق جهان باعث بحران، بی‌ثباتی و درگیری بوده است. البته از دیدگاه «بروس کوئن» در کتاب مبانی جامعه‌شناسی، قوم‌گرایی هم آثار مثبت و هم زیان‌هایی با خود دارد و می‌گوید: "قوم‌مداری این فایده را دارد که احساس مشروعیت گروه، وفاداری، میهن‌دوستی و ملیت‌خواهی فرد را تقویت می‌کند. افزون بر آن، قوم‌مداری با حفظ وضع موجود به منزله نیروی مقاوم در برابر دگرگونی‌ها نیز به‌کار می‌رود شاید زیان‌بارترین اثر قوم‌مداری این باشد که غالباً مانع نوآوری‌های احتمالاً سودمند می‌شود. قوم‌مداری افراطی به طرد غیر

ضروری و بیهوده‌ی خرد و دانش دیگر فرهنگ‌ها منتهی می‌شود و از هر گونه مبادله فرهنگی و غنی‌سازی فرهنگ خودی جلوگیری می‌کند" (Koen, 2016). باید گفت که جامعه‌ی در حال گذار ایران را می‌توان رنگین‌کمانی از اقوام دانست که از همان آغاز پیدایش بر اساس موجودیت اقوام و خرده فرهنگ‌ها شکل گرفته است و جامعه در حال گذار در تقابل با فرهنگ مدرنیسم، علاوه بر اینکه ارزش‌های سنتی خود را حفظ می‌کند، دچار نوعی سرخوردگی فرهنگی می‌شود که برای گزینش میان سنت و مدرنیسم، همیشه با حفظ شرایط محافظه‌کارانه‌ی خود، بخشی از فرهنگ مدرن را می‌گیرد که پیامد آن استفاده از مدرنیسم به شکلی کاملاً نمادین می‌باشد که ورود ابزارهای نوین را بدون فرهنگ استفاده از آن در این جامعه‌ها آسان می‌کند و نکته‌ی دیگر اینکه تعدد و تنوع اقوام در ایران را باید به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی دانست و هر یک از اقوام با داشته‌های غنی فرهنگی و تاریخی برای پربار کردن این سرمایه‌ی اجتماعی افزوده‌اند. در تاریخ معاصر ایران، قوم‌گرایی واقعیتی عینی و انکارناپذیر است و ما در تاریخ این سرزمین، شاهد بروز و ظهور قوم‌گرایی و عواقب ناشی از آن در بین اقوام مختلف بوده‌ایم و چشم‌اندازهای متفاوت و پنجره‌های دیگر را روبروی این سرمایه‌ی اجتماعی گشوده است. استان ایلام اگر چه استان بزرگی نیست ولی تاریخ هویتی آن با اقوام کرد، لر، عرب و با خرده فرهنگ‌های سنتی و باورهای دینی گره خورده و می‌توان گفت که در یک دهه‌ی اخیر شاهد تحولات فرهنگی - اجتماعی بوده است. ما در این پژوهش میدانی این سؤال را مطرح می‌کنیم: آیا جهانی‌شدن از منظر جامعه‌شناختی رابطه‌ای با گرایش‌های قومی در بین شهروندان استان ایلام داشته است؟ با پذیرش رویکرد جهانی‌شدن، تکثرگرایی در همه ابعاد نقش داشته و با پذیرش این اصل، الگوی تکثرگرایی در حوزه فرهنگی و اجتماعی، توانایی و ظرفیت حل مسائل و چالش‌های احتمالی در حوزه قومیت‌ها را در بر دارد. تکثرگرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه همه‌جانبه و متوازن، گویاترین الگو برای توضیح هم‌گرایی و انسجام اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران به حساب می‌آید. از آنجایی که این الگو، ظرفیت هم راستا کردن مؤلفه‌های اساسی شکل‌دهنده جامعه مدنی و توسعه همه‌جانبه را دارد، می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری، مسائل قومی ایران را به خوبی تحلیل و تبیین نماید. با توجه به مطالب فوق، هدف مطالعه حاضر، برجسته‌تر کردن چارچوب مفهومی یکپارچه‌ای است که از رهگذر تفکر غیر خطی معیاری مبتکرانه برای حل عمده‌ترین و مهم‌ترین مشکلات عصر ما من جمله مبحث قومیت و ستیزه‌های ناشی از آن در فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی عرضه دارد. تحقیق مورد نظر در قالب تحقیق نظری انجام گرفته که نوعی

مطالعه بنیادی و تئوریک می‌باشد. علاوه بر کشف و آشکارسازی روابط بین متغیرها از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده شده که بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گردیده است؛ بنابراین به‌طور کلی در این پژوهش سعی شده است که تأثیر دو متغیر جهانی‌شدن و سبک زندگی بر گرایش‌های قومی در بین شهروندان استان ایلام مورد بررسی قرار گیرد

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

توسلی و قاسمی (۱۳۸۱)، در پژوهشی تحت عنوان « هویت‌های جمعی و جهانی‌شدن» نتیجه می‌گیرند؛ که جهانی‌شدن از یک سو فرایندی واقعی و غیر اجتناب است و جامعه بشری به سوی برخی الگوهای فرهنگی و سیاسی، به مثابه یک هویت عام حرکت می‌کند و از سوی دیگر از کنار آن، هویت‌های خرد و محلی نیز در حال احیا و بازسازی‌اند و هویت‌های جمعی محلی در هم‌زیستی با هویت‌های جمعی شدن به سر می‌برند بدون این‌که وجود یکی دال بر ضدیت با وجود دیگری باشد.

سپهرنیا (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش جهانی‌شدن در شکل‌گیری خاص‌گرایی‌های فرهنگی» به این نتیجه رسیده است که شکل‌گیری نوعی بحران هویت و معنا که در همگون‌سازی فرهنگی و خاص‌گرایی فرهنگی نمود می‌یابد، گریزناپذیر است؛ از یک‌سو جهانی‌شدن با فراگیر کردن فرهنگ خاص غرب، عرصه را بر فرهنگ‌های دیگر تنگ می‌کند و به یک‌دست شدن فرهنگ دامن می‌زند و از سویی، جهانی‌شدن، با مختل کردن هویت‌سازی سنتی یک بحران فراگیر هویت و معنا در جوامع مختلف جهان پدید می‌آورد و بستر بسیار مناسبی برای خاص‌گرایی فرهنگی فراهم می‌آورد و امکان‌های تازه‌ای هم برای هویت‌سازی فراهم می‌سازد.

رضافور قوشچی (۱۳۹۳)، در مقاله « جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها» تلاش کرده است تا نگرش‌های متفاوت و متعارفی که نسبت به پدیده جهانی‌شدن وجود دارد، تبیین شود و همچنین سعی کرده به تأثیرات متفاوت و بعضاً متعارفی فرایند جهانی‌شدن که طیف وسیعی از تأثیرات از جمله استحاله و هضم خرده - فرهنگ‌ها و هویت‌های قومی و محلی و ملی در فرهنگ غالب و مسلط جهانی گرفته تا امکان افزایش گرایش‌ها و تمایلات قومی، محلی و ملی را در بر می‌گیرد، اشاره گردد و در نهایت الگوی تکثرگرایی به‌عنوان مدلی کارآمد که هم ظرفیت یک‌سو نمودن

مؤلفه‌های اساسی تشکیل جامعه مدنی و دستیابی به توسعه همه‌جانبه و متوازن را دارد و هم اصالت این مدل در چارچوب نظریه‌های جهانی شدن مفروض است برای پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده‌ی قومیت‌ها ارائه و پیش‌نهاد گردد.

علیزاده (۱۳۹۴)، در بررسی فرایند شکل‌گیری ذهنیت جهانی‌شدن بر کاهش قوم‌گرایی جوانان (کُرد، لُر و عرب) دهلران می‌گوید: «هویت‌های قومی و به دنبال آن قوم‌گرایی پدیده‌های نوظهور در ایران است. اقوام ایرانی حضور دیرپا در ایران داشته و نقش آنها در تکوین و ارتقای میراث سیاسی و فرهنگی ایران انکارناپذیر است». بی‌تردید دهلران را نیز می‌توان آزمایشگاه مدرنیسم در ایران دانست. داده‌ها و اطلاعات کمی و کیفی این تحقیق نشان دهنده سرعت و کیفیت تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه مورد مطالعه بوده و این همان خصلت نوشونگی مدرنیته است. داده‌های این تحقیق نشان دهنده این واقعیت است که ارزش‌های جهانی تأثیر مثبتی در کاهش هویت‌های قومی (قوم‌گرایی) در برابر جهانی‌شدن در جامعه‌ی مورد مطالعه داشته است؛ به عبارتی هر اندازه که گرایش به ارزش‌های جهانی‌شدن بیشتر باشد، قوم‌گرایی هم کاهش می‌یابد.

#### ب) تحقیقات خارجی

آندریو (۲۰۱۷)، در تحقیقی به «سراسری جهانی و انقلاب قومی» پرداختند: این مقاله مفهوم انقلاب قومی را توسعه می‌دهد که نویسنده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فرایندهای اجتماعی - تاریخی در مرحله مدرن جهانی‌شدن می‌داند. انقلاب قومی با پدیده «احیای قومیت» همراه است و به‌عنوان یک فرآیند کلی بازتولید قومیت و هویت‌های قومی که به هیچ یک از سرزمین‌های خاص محدود نمی‌شود، درک می‌شود. در این راستا، موضوع باید به یک ویژگی جدید اشاره کند. نویسنده به بررسی انواع مختلف قومیت در زمینه نوسازی هنجارها و روابط اجتماعی می‌پردازد و نشان می‌دهد که به اصطلاح «هویت پسا ملی» تنها گامی مؤثر در جهت تشکیل جوامع قومی و ملی است. تجزیه و تحلیل وضعیت در کشورهای مختلف، از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا، روسیه و دیگر کشورهای پس از شوروی، ویژگی‌های خاصی از انقلاب قومی را نشان می‌دهد؛ وابستگی ژنتیکی آن به ساختار فضایی تعاملات و ارتباطات اقتصادی توصیف شده است. نویسنده هشدار می‌دهد تلاش‌های محققان برای تعریف قومیت به‌عنوان یک آرشیو؛ ارائه آن به‌عنوان یک فرم غرامت اجتماعی - روحی و شناختی برای پیچیدگی در حال رشد دنیای

اجتماعی و به‌عنوان عامل رقابت اقتصادی (قومی - اقتصاد)، نویسنده اثبات عملکرد آن در شیوه‌های اجتماعی مدرن است.

آریلی (۲۰۱۹)، در تحقیقی به «رابطه بین جهانی‌شدن و هویت قومی: یک دیدگاه از پایین» پرداخت؛ در حالی که برخی مطالعات تأثیر جهانی‌شدن بر هویت ملی را از پایین بررسی کرده‌اند، یافته‌های آنها غیر قابل حل است، برخی معتقدند که هویت ملی برای افرادی که در کشورهای جهانگرا بیشتر فعالیت دارند، کمتر اهمیت دارد، بعضی دیگر به شواهدی بر خلاف آن دست پیدا می‌کنند. در این مقاله به بررسی و حل و فصل برخی از محدودیت‌های مطالعات قبلی پرداخته شده است. این مقاله رابطه بین جهانی‌سازی و هویت ملی با چهار نظرسنجی متقابل ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد و از ۱۴۹ نمونه ملی در ۷۴ کشور استفاده می‌کند و بررسی می‌کند که آیا سطح جهانی‌شدن هویت قومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا اینکه جهانی‌شدن میان میهن‌پرستی و هویت قومی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گر چه سطح هویت قومی در جهانی‌شدن بیش از کشورهای کمتر جهانی شده است، جهانی‌شدن اثر متفاوتی بر ارتباط قوی و مثبت میان میهن‌پرستی و هویت قومی ندارد.

ترپنینگ (۲۰۱۹)، در تحقیقی به «هویت قومی و جهانی‌شدن» پرداخت: همان‌طور که می‌دانیم، مفهوم هویت قومی از تاریخ افزایش تحرک جهانی و ارتباط میان فرهنگی حاصل می‌شود. علاوه بر این، جنبش‌های سیاسی که هویت قومی رایج را تأیید می‌کنند، اغلب از طریق جهانی‌شدن امکان‌پذیر هستند، زیرا آنها به شبکه‌های بین‌المللی، مؤسسات و رسانه‌ها برای شکل دادن و انتقال پیام خود متکی هستند. گر چه تحرک رو به رشد مردم، ایده‌ها و چیزها روابط بین قومیت و قلمرو را کاهش داده است، هویت قومی یک راه اصلی برای گروهی از مردم است که در زمان خودشان از دیگر گروه‌ها، یک فرهنگ و تاریخ مشترک را بیان کنند. علاوه بر این، از آنجا که جهانی‌سازی با شیوه‌های مختلف توسط جمعیت‌های مختلف تجربه می‌شود، هویت قومی تبدیل به گفتمان مفیدی برای مردم برای پردازش و تفسیر تجربه آنها شده است.

هویت‌های جمعی محلی در توازن با هویت‌های جمعی کلان به سر می‌برند. بدون اینکه وجود یکی دال بر وجود دیگری باشد. این رویکرد هنوز مدعی آن نیست که حرف آخر را در این زمینه زده است بلکه می‌گوید که نسبت به رویکردهای پیشین از جامعیت بیشتر برخوردار است. فرایند جهانی‌شدن از یک سو با فراگیر کردن فرهنگی خاص، عرصه را بر فرهنگ‌های دیگر تنگ می‌کند و به یکدست شدن فرهنگ‌ها دامن می‌زند. امروز دیگر

دشمن در آن سوی مرزها نیست؛ بخشی از مرزهاست. باید توجه نمود که چنانچه در حوزه اقوام و اقلیت‌ها، سیاست‌گذاری، خط مشی‌های اصولی و متناسب با تکثر و تنوع قومی و مذهبی لحاظ گردد این تکثر و تنوع دیگر تهدید نیست بلکه می‌تواند فرصت‌سازی مناسبی برای پیشرفت و توسعه باشد.

### چارچوب نظری پژوهش

قوم‌گرایی پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و تاریخی است و در شرایط گوناگون سیاسی، اجتماعی و تاریخی به شکل‌های گوناگون نمایان می‌شود. "قومیت یک پدیده تاریخی تحول‌پذیر است که با عوامل چندی در ارتباط است (Gols, 1997:16). ما در این مقاله یک چارچوب چند عاملی (تلفیقی) برای قوم‌گرایی در نظر گرفتیم که در برگزیده عوامل تفکیک، عوامل تبعیض و عوامل آگاهی‌بخش می‌شود. این چهارچوب تلفیقی از سویی در بر گیرنده عوامل ازلی (قدیمی) و مدرن قوم‌گرایی بوده و از دگرسو عوامل مهم ذهنی و عینی را به‌طور هم‌زمان مد نظر دارد. این چهارچوب توضیح می‌دهد که گرایش یک فرد به قوم‌گرایی، متأثر از زمینه‌های فرهنگی، عوامل نابرابری و عوامل آگاهی‌بخش است. بر پایه این چهارچوب نظری، دو فرضیه تدوین شده است که در پژوهش به آزمون آنها پرداخته‌ایم. اساس این بررسی نظریه رابرتسون درباره جهانی‌شدن است. البته برای تکمیل آن از نظریه پردازان جهانی‌شدن نیز استفاده شده است. دلیل انتخاب چنین چهارچوبی، از سویی ملاحظه رویکردهای نظری قوم‌گرایی و از سویی دیگر دقت در زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مسأله مورد مطالعه است. عوامل تفکیک عواملی فرهنگی و اغلب قدیمی بوده و جزء عناصری هستند که باعث می‌شوند قومی بواسطه آن‌ها خود را باز شناسد. از مهم‌ترین عوامل تفکیک می‌توان از زبان و مذهب قومی نام برد. عناصر تبعیض مرتبط با دوران جدید بوده و ناشی از تغییرات اجتماعی‌اند. از عوامل تبعیض می‌توان به احساس تبعیض (سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی) اشاره کرد. عوامل تفهیم یا آگاهی‌بخش آنهایی هستند که آگاهی قومی را باعث شده و یا آن را تقویت کرده و شتاب می‌بخشند. از عوامل آگاهی‌بخش می‌توان به نقش رسانه‌های مصرفی (تلویزیون ماهواره‌ای) اشاره کرد. رابرتسون جهانی‌شدن را فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی در جهان به‌عنوان یک کل تعریف می‌کند (Robertson, 2001: 35). او با توجه به رویکرد فرهنگی‌اش به جهانی‌شدن، هم بر تکثر و نسبیّت، هم بر تعامل (نه تقابل) و هم عام‌گرایی و خاص‌گرایی فرهنگ‌ها و هویت‌ها تأکید دارد (Ibid:2004). رابرتسون تأثیر جهانی‌شدن را بر فرهنگ محلی و فرهنگ جهانی

بررسی می‌کند و مدعی است دولت‌ها در عصر جهانی‌شدن قادر به کنترل افکار و ایده‌هایی نیستند که از طریق رسانه‌های جدید وارد کشور می‌شود و این خود باعث رشد افکار محلی‌گرایی می‌شود. اساساً رابرتسون جهانی‌شدن را عامل یکسان‌سازی فرهنگ‌ها در سراسر جهان ارزیابی نمی‌کند (Nash, 2001). آگاهی کلید واژه رابرتسون در بحث جهانی‌شدن و تعامل میان امر جهانی و امر محلی (اعم از ملی و فروملی) است (Friedman, 1994)؛ یا به معنای دقیق‌تر، عام گردانیدن خاص و خاص گردانیدن عام است (Robertson, 2001). نظر رابرتسون این است که در عصر جهانی (عصر در هم فشرده شدن جهان و نیز تراکم آگاهی به جهان)، رابطه دولت‌ملت‌ها (هویت‌های ملی تحمیلی) و قومیت‌ها (هویت‌های قومی) رابطه غالب و مغلوب نبوده و منجر به بیداری هویت قومی در برابر هویت ملی تحمیلی شده است، چرا که اساساً جهانی‌شدن به یکسان شدن فرهنگ‌ها و هویت‌ها منجر نمی‌شود (Nash, 2001). او مهم‌ترین عامل جهانی‌شدن را گسترش آگاهی‌ها از طریق فناوری اطلاعاتی و ارتباطی می‌داند. البته رابرتسون از مسافرت افراد از محل زندگی خویش به سایر مناطق جهان نیز غافل نیست و معتقد است این دو عامل دولت‌ها را از انحصاری ساختن، پردازش و نشر اطلاعات و آگاهی‌ها و اعمال سانسور باز می‌دارد (Robertson, 2001). رابرتسون چنان از ایده غلبه فرهنگی و هویتی پرهیز می‌کند که برخلاف نظر گیدنز، که جهانی‌شدن را مستلزم رها شدن زمان و فضا از مکان می‌داند، فشرده شدن جهان را متضمن حفظ مکان و فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی و فرو ملی می‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که در جهانی بودن، جالب‌ترین وجه این است که در سراسر جهان و در همه جوامع این پدیده در چارچوب "جست و جوی بنیادها" و اندیشه‌هایی مربوط به سنت، هویت، خانه، قومیت، محلیت، جماعت و غیره به پیش می‌رود. او با طرح ایده جهانی محلی خویش جهانی‌شدن را «متضمن انتظارات مربوط به اعلام هویت» می‌داند (Ibid). از آنچه به اختصار درباب نظریه رابرتسون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌ها یا باید در ساختن هویت فراگیر ملی، که لازمه نظم و انسجام ملی در هر کشور است، وجود هویت‌های فرو ملی و فرهنگ و حقوقشان را به رسمیت بشناسند و آنها را در ساختن چنین هویت فراگیر لحاظ کنند و آنها را صادقانه (و نه ریاکارانه) در این هویت‌سازی مشارکت دهند و حضور آنها را در سیاست‌گذاری کلان و منطقه‌ای و واگذاری پست‌ها و مقامات کشوری و منطقه‌ای به‌عنوان شهروند بپذیرند، یا هزینه رشد آگاهی قومی و در نتیجه رویارویی هویت‌های فروملی را در برابر چنین هویت تصنعی متکی به زور بپردازند. گر چه رابرتسون ظاهراً به‌طور مستقیم به جامعه مدنی و به‌طور خاص نهادهای



غیر دولتی به‌عنوان عوامل آگاهی‌بخش و تضمین‌کننده احقاق حقوق افراد و گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها نمی‌پردازد، تأسیس نهادهای بین‌المللی را، همچون سازمان ملل متحد و آنچه دولت‌ها را ناگزیر به پذیرش حقوق آحاد مردم، از جمله خرده‌هویت‌ها در قوانین اساسی کشورها کرده است، از عواملی می‌داند که هم در حدی وسیع آگاهی بخشند و هم حقوق حداقلی خرده‌هویت‌ها را تضمین می‌کنند (Robertson, 2004). با توجه به موارد مطرح شده در نظریه جهانی‌شدن رابرتسون، خصوصاً در زمینه ابعاد فرهنگی و اجتماعی این پدیده، به نظر می‌رسد این نظریه جامع‌ترین نظریه‌ای است که می‌تواند مسئله ما را در رابطه میان جهانی‌شدن و هویت قومی به نحوی پذیرفتنی تبیین کند. موضوع جهانی‌شدن که یکی از مباحث جدید در حوزه علوم اجتماعی است در چند دهه اخیر بحث‌های فراوانی را به همراه داشته است. در این میان اثر مارشال مک‌لوهان را می‌توان در یاری‌رسانی عمومی شدن این مفهوم مؤثر دانست. مک‌لوهان به‌عنوان یکی از نخستین اندیشمندان جهانی‌شدن مفهوم «دهکده جهانی» را با تجزیه و تحلیل تماس‌های اجتماعی حاصل از فناوری رسانه‌ای مطرح و از به هم فشردگی زمان - مکان سخن به میان آورد. بعدها به وسیله آلوین تافلر این به هم فشردگی‌ها، به‌طور واضح‌تر در کتاب‌های شوک آینده و موج سوم مورد بررسی قرار گرفت. مقاله تئودور لویتز عنوان جهانی‌شدن بازارها، اصطلاح «جهانی‌شدن» را در میان حوزه‌های مختلف اقتصادی و تجاری عمومی کرد (کیم و بهاک، ۲۰۱۵). به دلیل اختلاف نظر میان پژوهشگران، ارائه تعریف جامع و مورد پذیرش عموم برای جهانی‌شدن بر سر ماهیت و ریشه آن بر سر ماهیت ریشه آن دشوار به نظر می‌رسد؛ به‌طوری که یکی از عمده‌ترین بحث‌های مربوط به جهانی‌شدن اختلاف نظر پیرامون ریشه و زمان آغاز این پدیده و یا به‌عبارت دیگر، قدیمی بودن یا نو بودن آن است. در حالی که برخی چون آنتونی گیدنز، والراشتاین، کیم و باووک، جیمسون، اسکیلر و همفکران آنها جهانی‌شدن را پدیده‌ای مدرن تلقی می‌کنند و معتقدند که مدرنیته ذاتاً جهانی‌گراست (Giddens, 2014; Kim and Whack, 2015; Wallerstein, 2013; Sklar, 2015) رابرتسون، واترز و از جمله هلد معتقدند که جهانی‌شدن دارای تاریخ ماقبل مدرنیته است و حتی گاهی جهانی‌شدن را در دوره‌های ماقبل تاریخ ریشه‌یابی می‌کنند (Wartz, 2016; Held, 2014; Robertson, 2012).

### مبانی نظری پژوهش

گیدنز در بحث جهانی‌شدن معتقد است که مدرنیته باید در سطح نهادی درک شود، تغییر و تحولاتی که از سوی نهادهای مدرن ایجاد می‌شود به شیوه مستقیمی با زندگی فرد و هویت خویش پیوند خورده است. یکی از ابعاد اساسی مدرنیته، افزایش پیوستگی‌های متقابل بین تأثیرات جهانی‌شدن و تمایلات شخصی است، در حالی که شخصیت ماهیت منفعل و پذیرنده صرف تأثیرات خارجی نیست؛ مقاومت نموده، تغییرات را به مبارزه می‌طلبد ولی در نهایت نهادهای مدرن، مکانیسم جدید شخص و هویت او را شکل می‌بخشد. به عبارتی سنن، اعتبار و بقای خود را از دست می‌دهند و بیشتر زندگی روزانه بر حسب کنش متقابل دیالکتیکی جهانی و محلی بازسازی می‌شود و بیشتر افراد مجبور هستند سبک زندگی خاصی را در میان تنوعی از انتخابات برگزینند (Giddens, 1997: 5-7).

گیدنز جهانی‌شدن را پدیده‌ای چندبعدی می‌انگارد. به باور او جهانی‌شدن فرهنگ جنبه‌ای بنیادی در پس هر یک از بعدهای گوناگون نهادی جهانی‌شدن است (Ibid, 1998:92)، که فرهنگ محلی و محتوای محل زندگی را مورد تهاجم قرار داده، افراد را مجبور می‌کند تا به صورت بارزتر، انعطاف‌پذیر و فردی‌تر زندگی کنند. تأثیر فردی شدن به موازات جهان‌گرایی است، جهانی‌شدن موجب می‌شود تا فرهنگ‌ها ضمن شناخت خود و تقویت خودآگاهی محلی به همزیستی فرهنگ و استفاده از میراث تمدن و فرهنگ جهانی روی آورند و بر اساس عقلانیت به سوی آموزه‌های استحکام جهانی، آگاهی محلی و "جهانی فکر کن؛ محلی عمل کن" جهت یابند (Dashiri, 2000:76). اشگفر در اثر خود با عنوان «فهم جهانی‌شدن» به بررسی جنبه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پدیده جهانی‌شدن پرداخته و چنین بیان می‌کند: «در کل، جهانی‌شدن نمی‌تواند یک نتیجه عمومی داشته باشد یا یک جهان همگن خلق کند. در عوض، جهانی‌شدن نتایج گوناگونی و متضادی دارد که قابل پیش‌بینی نیست ... بعلاوه نتایج گوناگون بطور یکسانی مثبت و منفی نیستند و همزمان برای برخی خوب و برای برخی دیگر بد هستند» (Shafer, 2013)؛ بنابراین مسئله بقا یا از بین رفتن هویت‌های محلی در جریان حرکت عظیم اقتصاد و فرهنگ جهانی موضوعی نیست که بتوان به سادگی برای آن یک پاسخ قطعی صادر کرد بدیهی است که در این رابطه دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده باشد که در جمع‌بندی نهایی از نظریه‌پردازی انجام شده شاید بتوان این نظریه را در سه رویکرد اساسی و متضاد جهان‌گرایان، سنت‌گرایان و تحول‌گرایان قرار داد (McKay, 2016).

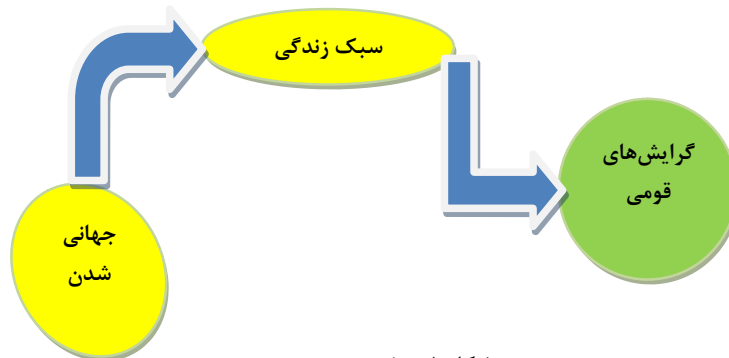
الف) جهان‌گرایان: این رویکرد نویدبخش کاهش منازعات قومی و محلی در فرآیند جهانی‌شدن است و در واقع به آن اشاره دارد که با یکسان‌سازی فرهنگی در سطح جهان، هویت‌های محلی را به کاهش خواهند گذاشت. افرادی همچون اریک هابزبام، کارل دویچ، فرانسیس فوکویاما، مک کورمک، ریچارد رایش ... از جمله اندیشمندان رویکرد اول محسوب می‌شوند که با مثبت خواندن نقش توسعه ارتباطات در فرآیند جهانی‌شدن، کاهش منازعات و مناقشات محلی و قومی را نوید داده و جهانی‌شدن را به گونه‌ای در برابر محلی‌شدن قرار می‌دهند. ( Fukuyama, 2017; Hobsbawm, 2014; Deshyar, 2014; Maqsoudi, 2015; Sejadpour, 2013).

برخی از این اندیشمندان با در مقابل هم قرار دادن محلی‌شدن و جهانی‌شدن معتقدند که در جهان آینده، قومیت، ناسیونالیسم و دولت ملی جایی برای خود نخواهند داشت. به‌عنوان نمونه اریک هابزبام ادعا می‌کند که در جهانی با تحولات سریع قومیت هیچ مسیری را به انسان‌ها نشان نمی‌نماید و اطمینان بیشتری به از میان رفتن قومیت و ناسیونالیسم دارد (Hobsbawm, 2014). کارل دویچ نیز در این میان ارتباطات را موجب همگرایی سیاسی میان جوامع و درون جوامع تلقی کرده و بر این باور است که نیازها و همکاری‌های متقابل جوامع در جهان معاصر، در نهایت منجر به یکسان‌سازی و همگرایی جهانی در ابعاد گوناگون خواهد شد (Maqsoudi, 2015). همچنین فوکویاما با مطرح کردن «پایان تاریخ» و فرار سیدن عصر حاکمیت لیبرال دموکراسی غربی، با اعتراف به وجود جنگ‌های قومی - نژادی در مناطق مختلف جهان و وجود رقبای دیگر برای لیبرال دموکراسی، غلبه نظام لیبرالی و تحقق روند جهانی‌شدن را امری حتمی می‌داند (Fukuyama, 2017).

ب) سنت‌گرایان: رویکرد حاضر با افرادی همچون پل هرست، بنجامین باربر و گراهام تامسون گره خورده است. به نظر این گروه، یکپارچگی جهانی یک ایدئولوژی است که در صدد تحقق یک اقتصاد جهانی است. آنها با استفاده از علم آمار ادعا می‌کنند که پدیده اقتصاد بین‌المللی و همگرایی اقتصادی در اواخر قرن نوزدهم بیشتر از اکنون بوده است. از نظر آنان دولت‌ها نه تنها در حال از دست دادن قدرت خود نیستند بلکه در واقع معمار بین‌المللی شدن جدید نیز هستند. اندیشمندان این رویکرد بر عکس اندیشمندان رویکرد قبلی بر قدرت و تداوم فرهنگ‌های ملی و محلی در مقابل جهانی‌شدن تأکید کرده و ادعاهای جهانی را گزاف می‌دانند (McKay, 2016).

ج) تحول‌گرایان: نظریه‌های اندیشمندان بسیاری همچون رابرتسون، گیرنا، گیدنز و روزنا، ترنر، باووک، بری و ... در این رویکرد قرار می‌گیرند. اندیشمندان این رویکرد، برعکس اندیشمندان جهان‌گرا به ناتوانی فناوری‌های ارتباطی و پدیده جهانی‌شدن در حذف «علاقه محلی» اشاره کرده و معتقدند انقلاب در زمینه ارتباطات، موجب آگاهی قومی - فرهنگی بیشتری می‌شود ( Bahak, 2015; Armi, 2015; Seyed Emami, 2011; Giberna, 2014). به اعتقاد این عده از صاحب‌نظران، جهانی‌شدن همواره متضمن هم‌زمانی و درون پیوستگی دو پدیده بوده که به صورت قراردادی «امر جهانی» و «امر محلی» نامیده می‌شوند. اصطلاح «محلی - جهانی‌شدن» را به جای مفهوم «جهانی‌شدن» ترجیح می‌دهند؛ فرآیندی که موجب ظهور ساختارهای جدید شده و تولید‌کننده روندهای هم‌زمان و در عین حال متضاد بسیاری در جهان معاصر است که از آن جمله می‌توان به ظهور پسامدرنیسم در کنار سکولار شدن جوامع، ایجاد هویت‌های سنت‌گرا در کنار هویت‌های مدرن‌گرا و یا شکل‌گیری هویت‌های دو رگه در نسل جدید اشاره کرد که همه به نوعی، نمودهایی از ظهور هم‌زمانی‌های فرهنگی و هویتی محسوب می‌شوند (Robertson, 2012). رابرتسون به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد معتقد است که در جهان امروزی دو فرایند در حال اتفاق است: یکی محلی‌شدن و دیگری جهانی‌شدن. به اعتقاد او جهانی‌شدن در معنای کلی می‌تواند به شکل نهادینه شدن فرایند دو وجهی عام شدن خاص و خاص شدن عام درک شود. این نگرش، خطوط کلی دیدگاه رابرتسون را درباره گوناگونی فرهنگی از یک‌سو و یگانه شدن فرهنگی از سوی دیگر را مشخص می‌کند. جیمز روزنا نیز به‌عنوان یکی دیگر از نظریه‌پردازان رویکرد تحول‌گرا معتقد است در جهان کنونی شاهد دو گونه حرکت تمرکزگرا و گریز از مرکز هستیم. بنا به استدلال وی، اگر چه ممکن است ظاهراً میان این دو جریان، تناقض و تضاد جدی وجود داشته باشد اما واقعیت این است که رابطه بین این دو حرکت، رابطه علت و معلولی بوده و هر گونه پیشرفت در فرایند جهانی‌شدن، توسعه فرایند محلی‌گرایی را افزایش می‌دهد (Arami, 2014). توجه به رویکرد فوق، این موضوع را آشکار می‌کند که نگاه اندیشمندان رویکرد اول نگاهی بدبینانه به ماندگاری پدیده‌هایی همچون قومیت و ناسیونالیسم و به تبع آن ماندگاری هویت ملی و محلی در فرایند جهانی‌شدن است؛ حال اینکه نگاه اندیشمندان رویکرد دوم، به خود فرایند جهانی‌شدن بدبینانه است. آنها معتقدند دولت و مناطق، نه تنها در حال از دست دادن قدرت خود نیستند بلکه نسبت به جهانی‌شدن هویت‌ها نیز مشکوک هستند. در مقابل، یک رویکرد

بینابینی وجود دارد که رویکرد سوم را تشکیل می‌دهند. در این رویکرد، جهانی شدن به این معنا نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه شدن می‌باشد بلکه برعکس، در برخی ابعاد با تفرق و پراکندگی رو به روست؛ از این رو جهانی شدن و افزایش هویت جهانی موجب تقویت هویت‌های محلی می‌شود نه حذف آنها. اینکه کدام یک از این سه رویکرد به واقعیت جامعه ما نزدیک است، موضوعی است که مورد بررسی قرار گرفته است ( *Brunch and Triplet, 2015*).



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش  
**Figure 1: Conceptual Model of Research**

#### فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد جهانی شدن با گرایش‌های قومی مردم استان ایلام رابطه معنی‌دار دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد سبک زندگی با گرایش‌های قومی مردم استان ایلام رابطه معنی‌داری دارد.

#### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق بر حسب روش گردآوری اطلاعات، ترکیبی از تحقیقات کمی و کیفی به شمار می‌رود و از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که به صورت مطالعه موردی انجام می‌شود. در این مطالعه برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است؛ که شامل سه قسمت می‌باشد: الف) نامه همراه، ب) سؤال‌های عمومی، ج) سؤال‌های تخصصی که از

پرسشنامه (محقق‌ساخته) استفاده شده که شامل ۷۵ سؤال می‌باشد. برای تدوین و گردآوری ادبیات مربوط به موضوع تحقیق و بررسی اطلاعات مرتبط با آن از روش مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. متغیر وابسته در این تحقیق، گرایش‌های قومی با توجه به گویه‌هایی ۱- تعلق خاطر به روابط قومی و دوستی، ۲- داشتن احساسات مثبت قومی دلبستگی‌ها و اعتمادپذیری، ۳- ترجیح مشارکت گروه قومی آداب و رسوم، و در قالب طیف لیکرت طراحی و عملیاتی شده‌اند؛ و همچنین در متغیر جهانی شدن به‌عنوان متغیر مستقل به مؤلفه سبک زندگی تأکید کرده‌ایم. برای سنجش سبک زندگی از شاخص‌های: ۱- شرکت در جشن‌ها و میهمانی‌ها، ۲- شرکت در مساجد و مکان‌های مذهبی، ۳- رفتن به گردش و تفریح، ۴- استراحت و قدم زدن، ۵- رفتن به سینما و کنسرت، ۶- مطالعه کتاب و مجلات، که برای سنجش آن از طیف لیکرت استفاده شده است. جمعیت آماری در این تحقیق را کلیه افراد ساکن استان ایلام تشکیل می‌دهند. جامعه هدف ما، کل مردم استان و گروه هدف اقوام کرد و لر و عرب استان هستند. در این تحقیق، از نمونه‌گیری احتمالی ساده استفاده شده و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که در نهایت تعداد ۲۷۰ نفر از شهروندان استان ایلام انتخاب می‌گردند. برای بررسی روایی پرسشنامه مورد نظر در این تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است. برای برآورد پایایی پرسشنامه بعد از استخراج نمرات مربوط به هر پرسشنامه و وارد نمودن آن‌ها به نرم‌افزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

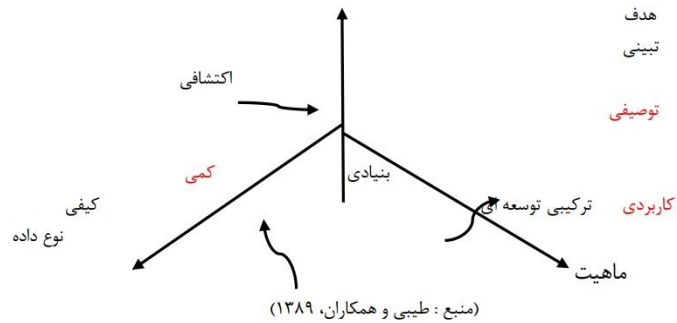
جدول ۱: نتایج ضریب آلفای کرونباخ

**Table 1: Cronbach's Alpha Coefficient Results**

آلفای کرونباخ	متغیرهای تحقیق
<i>Cronbachs Alpha &gt;0.7</i>	<i>Variables</i>
۰.۸۶۰	گرایش‌های قومی
۰.۸۵۵	سبک زندگی
۰.۹۱۹	جهانی‌شدن

در این تحقیق نیز مانند اکثر تحقیقات پیمایشی واحد تحلیل «فرد» می‌باشد و نتایج تحلیل به افراد قابل تعمیم هستند. در این تحقیق، علاوه بر آمار توصیفی از آمار استنباطی نیز استفاده شده است که برای انجام پردازش اطلاعات از نرم‌افزار آماری *SPSS16* و *Amoss* استفاده گردیده است. در آمار توصیفی از نمودارها و جداول (میانگین، فراوانی،

درصد، واریانس و انحراف معیار) استفاده شده است و در رسم نمودارها نیز از *Excel* بهره‌گیری شده است. در آمار استنباطی به منظور بررسی مناسبت ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) از تحلیل عاملی تأییدی (*CFA*)، با رویکرد حداقل مربعات جزئی (*PLS*) به وسیله نرم‌افزار *Smart PLS3* استفاده شده است. همچنین به منظور بررسی نوع توزیع داده‌ها از ضرایب چولگی و کشیدگی و جهت بررسی فرضیات تحقیق از تحلیل مسیر استفاده شده است.



### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

#### جهانی‌شدن

محوشدن مرزهای جداگانه جهان و حرکت تدریجی جهان به سوی نوعی همگنی یا همگونی بیشتر در عرصه‌های اقتصادی؛ سیاسی؛ اجتماعی و فرهنگی که در واقع می‌توان آن را نوعی حرکت از کثرت به وحدت دانست.

#### سبک زندگی

سبک زندگی به معنای مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است. سبک زندگی در این پژوهش شامل الگوی خرید، اوقات فراغت، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن است. برای سنجش سبک زندگی از این

شاخص‌ها استفاده شده است: الگوی خرید، اوقات فراغت، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، مصرف محصولات فرهنگی، الگوی خرید و الگوی تغذیه است.

برای سنجش سبک زندگی از شاخص‌های زیر استفاده شده است:

- شرکت در جشن‌ها و مهمانی‌ها
- شرکت در مساجد و مکان‌های مذهبی
- رفتن به گردش و تفریح
- استراحت و قدم زدن
- رفتن به سینما و کنسرت
- مطالعه کتاب و مجلات

### گرایش‌های قومی

احساس تعلق به یک قوم و برتر ندیدن خویش و قومش و عدم احساس تضييع حقوق که منجر به تلاش برای کسب از دست رفته‌ها نشود (کلاس؛ ۲۰۰۴). این متغیر نیز به وسیله پرسش‌ها و گویه‌هایی شاخص‌سازی شده است.

### تجزیه و تحلیل

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی مقیاس‌های پژوهش

**Table 2: Descriptive Indices of Research Scales**

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
<i>Variables</i>	<i>Number of Samples</i>	<i>Average</i>	<i>Standard Deviation</i>	<i>The Least</i>	<i>The Most</i>
گرایش‌های قومی	۲۷۰	۳.۴۹	۰.۳۷۳	۲.۳۵	۴.۵۵
سبک زندگی	۲۷۰	۳.۶۹	۰.۵۷۳	۱.۶۹	۵.۰۰
جهانی شدن	۲۷۰	۳.۷۱	۰.۳۵۶	۲.۴۴	۴.۷۲

جهت بررسی نرمال بودن از ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده می‌شود.



جدول ۳: نتایج نرمال بودن متغیرهای موجود در پژوهش

**Table 3: The Results of the Normality of the Variables in the Research**

نتیجه	آزمون نرمالیتی		متغیرهای تحقیق
	کشیدگی	چولگی	
Result	Normality Test		Variables
	Elongation	Crookedness	
نرمال	۰.۲۹۱	-۰.۳۴۷	گرایش‌های قومی
نرمال	۰.۴۳۸	-۰.۵۳۱	سبک زندگی
نرمال	۰.۳۵۲	-۰.۳۶۸	جهانی‌شدن

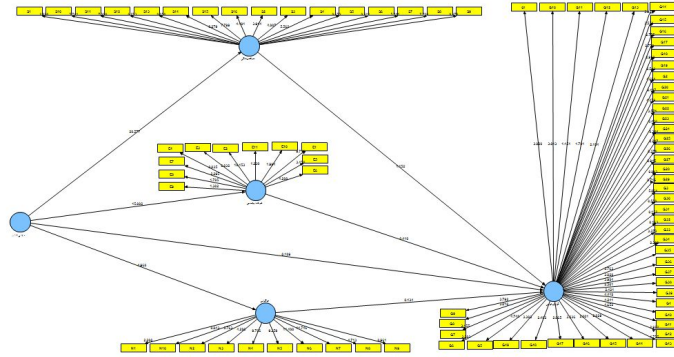
همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضرایب چولگی و کشیدگی برای همه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های پژوهش در بازه امن و قابل قبول (۳+ و ۳-) بدست آمده است و نتیجه می‌شود توزیع داده‌های این متغیرها نرمال می‌باشد.

جدول ۴: ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه تحقیق

**Table 4: Matrix of Correlation Coefficients between the Variables Studied in the Research**

متغیرهای تحقیق		گرایش‌های قومی	سبک زندگی	شبکه‌های اجتماعی	نوگرایی	جهانی‌شدن
Research Variables		Ethnic Tendencies	Life Style	Social Networks	Modernism	Globalization
گرایش‌های قومی	مقدار همبستگی	۱	۰.۵۱۳	۰.۴۳۴	۰.۳۶۷	۰.۳۷۳
	سطح معناداری		۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۶	۰.۰۰۰
سبک زندگی	مقدار همبستگی	۰.۵۱۳	۱	۰.۳۶۰	۰.۵۳۵	۰.۷۶۹
	سطح معناداری	۰.۰۰۰		۰.۰۰۰	۰.۰۰۲	۰.۰۰۰
جهانی‌شدن	مقدار همبستگی	۰.۳۷۳	۰.۷۶۹	۰.۷۲۹	۰.۴۱۰	۱
	سطح معناداری	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح معناداری بین دو به دو متغیرها کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ بدست آمده است. لذا فرض صفر آزمون همبستگی رد و فرض مقابل آن مبنی بر وجود رابطه بین دو به دو متغیرها با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود.



نمودار ۱: مدل تحلیل عاملی را در حالت ضرایب معناداری تی

**Diagram 1:** Factor Analysis Model in the Case of Significant Coefficients of *T*

جدول ۵: نتایج ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی ترکیبی و *AVE*

**Table 5:** The Results of Cronbach's Alpha Coefficient, Composite Reliability Coefficient and *AVE*

Average Variance Extracted ( <i>AVE</i> ) > 0.5	پایایی ترکیبی Composite Reliability > 0.7	آلفای کرونباخ Cronbachs Alpha > 0.7	متغیرهای تحقیق
۰.۶۵۶	۰.۸۷۱	۰.۸۶۰	گرایش‌های قومی
۰.۵۲۳	۰.۸۸۱	۰.۸۵۵	سبک زندگی
۰.۷۲۶	۰.۹۲۷	۰.۹۱۹	جهانی‌شدن

همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی تمامی متغیرها در حد قابل قبول و بالای ۰.۷ قرار گرفته‌اند؛ همچنین مقدار *AVE* تمامی متغیرها همگی بالاتر از حد مرزی ۰.۵ می‌باشند. لذا می‌توان این‌گونه استنباط نمود که پایایی و روایی همگرای متغیرهای مورد مطالعه در حد قابل قبول و مطلوبی قرار دارد.

### آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد از منظر جامعه‌شناختی تأثیر جهانی‌شدن بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام تأثیر معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۶: نتایج تأثیر جهانی‌شدن بر گرایش‌های قومی

**Table 6: The Results of the Impact of Globalization on Ethnic Tendencies**

نتیجه	سطح معناداری	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر
تأیید	۰.۰۰۰	۶.۷۹۵	۰.۷۹۰	تأثیر جهانی‌شدن ← گرایش‌های قومی

مطابق جدول شماره ۶ یافته‌ها نشان داد که مقادیر تأثیر جهانی‌شدن بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام آماره تی ۶.۷۹۵ و ضریب مسیر ۰.۷۹۰ به دست آمده است. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده بالاتر از حد نرمال هستند، این‌گونه استنباط می‌گردد که فرضیه اصلی تحقیق با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. بعبارتی دیگر تأثیر جهانی‌شدن بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام تأیید می‌شود؛ بنابراین نتیجه محاسبه شده را وقتی به جمعیت آماری استان تعمیم می‌دهیم، می‌بینیم هر چه در جامعه مورد نظر افراد و اقوام از جهانی‌شدن تأثیر پذیرفته باشند، قوم‌گرایی آنها در سطح پایین‌تری است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سبک زندگی بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام تأثیر معنی‌دار داشته باشد.

جدول ۷: نتایج تأثیر سبک زندگی بر گرایش‌های قومی

**Table 7: The Results of the Effect of Lifestyle on Ethnic Tendencies**

نتیجه	سطح معناداری	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر
تأیید	۰.۰۰۰	۴.۸۰۹	۰.۶۸۶	سبک زندگی ← گرایش‌های قومی

مطابق جدول شماره ۷ یافته‌ها نشان داد که مقادیر سبک زندگی بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام آماره تی ۴.۸۰۹ و ضریب مسیر ۰.۶۸۶ به دست آمده است. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده بالاتر از حد نرمال هستند، این‌گونه استنباط می‌گردد که فرضیه فرعی اول تحقیق با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. بعبارتی دیگر سبک زندگی بر

گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که ورود جوامع سنتی همچون استان ایلام به دنیای مدرن، سبب کاهش احساس تعلق و دلبستگی قومی آنان شده است.

### نتیجه‌گیری

جامعه جهانی در حالی وارد هزاره سوم شد که هویت‌های قومی، نژادی و زبانی اهمیت دو چندان یافتند و به جرأت می‌توان گفت که تقریباً اکثر کشورهای دنیا دست به گریبان آن هستند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که هویت‌های قومی و به دنبال آن قوم‌گرایی پدیده‌ای نوظهور در ایران است. اقوام ایرانی حضوری دیر پا در ایران داشته و نقش آنها در تکوین و ارتقای میراث سیاسی و فرهنگی ایران انکارناپذیر است به همین دلیل حمید احمدی قومیت و قوم‌گرایی در ایران را افسانه‌ای بیش نمی‌داند اما بر این باور است که از اواسط قرن بیستم به بعد تحت تأثیر عوامل متعددی (اعم از داخلی و خارجی) این موضوع در ایران شکل گرفته و اهمیت یافته‌اند. روابط اجتماعی گسترش یافته، متقابل و فزاینده این روابط و ظهور نوعی زیر ساختار جهانی، بدین معنا که افزایش بسیار زیاد و شدید ارتباطات در سطح محلی، ملی و جهانی منجر به کاهش عملی و آشکار فاصله فرهنگ‌ها و جوامع و یکسان‌سازی آنها می‌شود (Cochrane, 2000; Wiseman, 1998). تجزیه و تحلیل یافته‌های بدست آمده، نشان داد که مقادیر تأثیر جهانی شدن بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام آماره تی ۶.۷۹۵ و ضریب مسیر ۰.۷۹۰ به دست آمده است. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده بالاتر از حد نرمال هستند، این‌گونه استنباط می‌گردد که فرضیه تحقیق با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. عبارتی دیگر تأثیر جهانی شدن بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام تأیید می‌شود. میزان ضرایب همبستگی بدست آمده نشان‌دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر با سطح اطمینان ۰.۹۵ درصد می‌باشد، بنابراین نتیجه محاسبه شده را می‌توان به جمعیت آماری تعمیم داد، لذا هر چه در جامعه مورد نظر افراد و اقوام تأثیر بیشتری از جهانی شدن برخوردار باشند قوم‌گرایی آنها نیز در سطح پایین‌تری است، به عبارتی کاهش قوم‌گرایی می‌تواند تأثیر گرفته از جهانی شدن افراد باشد. تجربه تاریخی مؤید همین دیدگاه تحقیق است که پیامد قوم‌گرایی فرهنگی در میان استان‌های ایلام و کرمانشاه (منهای مناطق اورامی و پیروان آیین یارسان) و شهرهای قروه و بیجار در کردستان کمتر از دیگر مناطق بوده است، داده‌ها همچنین مشخص ساخت که میزان تأثیر فرایند جهانی شدن با میزان قوم‌گرایی رابطه

معکوس و منفی دارد، همچنین یکی از دستاوردهای نظری این تحقیق به چالش کشیدن دیدگاه‌های نخبه‌گرایانه در ایجاد قوم‌گرایی در ایلام است چرا که معتقدان این رویکرد، قوم‌گرایی را ناشی از نقش و ابتکار نخبگان می‌دانند. نتایج آزمون این فرضیه با نتایج تحقیق احمدی (۱۳۸۱)، محمدزاده و همکاران (۱۳۹۱)، نساج (۱۳۸۸)، توسلی و قاسمی (۱۳۸۱)، سپهرنیا (۱۳۹۰)، پلوس (۲۰۰۵)، سوتکوویچ و کلنر (۱۹۹۷)، کاستلز و همکاران (۱۹۹۲) همخوانی دارد.

همچنین مطابق یافته‌های به دست آمده، مقادیر سبک زندگی بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام آماره تی ۴۸۰۹ و ضریب مسیر ۰۶۸۶ به دست آمده است. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده بالاتر از حد نرمال هستند، این‌گونه استنباط می‌گردد که فرضیه تحقیق با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. بعبارتی دیگر سبک زندگی بر گرایش‌های قومی در بین مردم استان ایلام تأیید می‌شود. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت ورود جوامع سنتی همچون استان ایلام به دنیای مدرن و متجدد، سبب گسیخته شدن و کاهش هویت محلی و قومی و کاهش احساس تعلق و دلبستگی و قوم‌گرایی شده است، نتایج آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات احمدی (۱۳۸۱)، نساج (۱۳۸۸)، پلوس (۲۰۰۵)، ساساکی (۲۰۰۴)، سوتکوویچو کلنر (۱۹۹۷)، کاستلز و همکاران (۱۹۹۲)، همخوانی دارد.

## **References:**

Ahmadi, H. (2011). *Ethnicism and Iran's National Security*, Tehran, Office of Security Studies and Research of the Ministry of Interior. (Persian).

Altai, A. (2012). *Ethnic identity crisis in Iran*, second edition, Tehran, Shadgan. (Persian).

Ariely, Gal. (2019). The nexus between globalization and ethnic identity: A view from below. *Ethnicities*. 19. 146879681983495. 10.1177/1468796819834951

Balmer, M. and Solms, J. (2011). *Ethnic and Racial Studies*, translated by Parviz Delirpour and Seyyed Mohammad Kamal Sarwarian, Tehran: Research School of Strategic Studies.

Hajiani, E. (2000). "Sociological analysis of national identity in Iran and the proposal of multiple hypotheses", *National Studies*, 5, pp. 193-229.

Deshiri, M. R. (2010). "Globalization and National Identity", *National Studies*, 5, pp. 71-100.

Robertson, R. (2011). *Globalization, social theories and global culture*, translated by Kamal Poladi, Tehran: Thalash.

Terpenning, Steven. (2019). *Ethnic Identity and Globalization*. 1-4. 10.1002/9781405165518.wbeos1240.

Castells, M. (2011) *Information age, economy, society and culture, the power of identity*, translation: Hossein Chavoshian, second edition, Jaddom, Tehran: new design. (Persian).

Giddens, A. (2007). *Consequences of Modernity*, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Center.

Nasaj, H. (2017). "Globalization and the identity of Iranian ethnic groups with emphasis on the components of language and customs", two-monthly specialized journal on theoretical politics, winter and spring 1997 and 1999, pp. 129-156. (Persian).

Nash, K. (2018). *Contemporary Political Sociology*, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran: Kavir. (Persian).

Yousefi, A. (2013). *Exploration of "Collection of articles on ethnic groups (1)"*, secondary analysis of the results of the study project on ethnic identity and its relationship with community

identity, Ministry of Interior, Deputy of Social Affairs and Councils. (Persian).

Alizadeh, M. (2014). Investigating the formation process of the globalization mindset and its effect on the reduction of ethnocentrism among the youth aged 15-29 in Dehhran city, Master's Thesis of Social Sciences, Shushtar Azad University. (Persian).

Kevin, B. (2015). Basics of Sociology, Translation and Adaptation: Gholamabas Tausli and Reza Fazel, Tehran, Samit Publications. (Persian).

Amanullahi Baharond, I. (2013). "The effect of modernizing the Brahminization of Iranian peoples", conversation report, No. 5. (Persian).

## A Sociological Approach to Globalization and Its Impact on Ethnic Tendencies People of Ilam Province

*Abdolhossein Rahmati*<sup>1</sup>, *Nabiallah Ider (Ph.D)*<sup>2</sup>  
*Abdolreza Hashemi (Ph.D)*<sup>3</sup>

**DOI: 10.22055/QJSD.2023.41071.2686**

### **Abstract:**

The aim of this study was to investigate the sociological approach to globalization and its impact on the ethnic tendencies of the people of Ilam province. To show the relationship between ethnic identities living in Ilam province and general and global identities. In this study, the statistical population of all people living in Ilam province with a population of 580,158 people, which according to Cochran's formula, the statistical sample size is 270 people and the sampling method is probably simple, survey method and data collection tool is a questionnaire. Cronbach's alpha coefficient was used to measure the reliability of the data and face validity method was used to measure the validity. The research findings were analyzed by Pearson correlation coefficient, analysis of variance and regression statistical methods. Ethnic tendencies have a significant relationship and also there is a significant positive relationship between lifestyle variables and ethnic tendencies, which means that with the entry of traditional societies such as Ilam province into the modern world, has reduced their sense of belonging and ethnic attachment.

**Key Concepts:** *Sociological, Global Globalization, Ethnic Trends*

---

<sup>1</sup> PhD student, Department of Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran, rahmati633@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran (Corresponding Author), ider62@yahoo.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran, abdorezahashemi@yahoo.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).